

قانون تجارت

۱ - موظف .

۲ - غیر موظف .

مدیر های موظف - مدیر های موظف اشخاصی هستند که در مقابل زحماتی که برای اداره کردن امور شرکت متحمل میشوند آخر ماه هر سال یا موعد معین مقرری ثابتی دریافت میدارند کلمه موظف مشتق از وظیفه است که در اینجا بمعنای عریبی آن استعمال شده و بمعنای واجب و مزد می باشد . و نباید تصور شود که مقصود از مدیر موظف کسی است که انجام وظایف خاصی بعهده او بوده یا آنکه مدیر عامل یا مسئول میباشد .

مدیر های غیر موظف - مدیر های غیر موظف کسانی هستند که برای شرکت مجاناً کار میکنند و در مقابل زحمات خود حقوق یا مقرری دریافت نمیکنند .

اغلب اتفاق میافتد که سهام داران شرکتی بمنافع سهام خود اکتفا کرده و برای حسن جریان و همچنین نظارت در امور شرکت مدیریت شرکت را قبول و انجام وظیفه می نمایند .

انتخاب مدیر غیر موظف تقریباً اختصاص بشرکت های تضامنی دارد که با چند نفر از شرکاء ضامن عهده دار مدیریت شرکت میشوند و باخذ حصه خود از منافع شرکت اکتفا مینمایند ولی در شرکت های سهامی این قبیل مدیران کمتر انتخاب میشوند و اگر هم انتخاب شوند فقط از نقطه نظر اطلاعات فنی و تجارتي آنها است که برای امور شرکت نافع و بتوسط هیئت مدیره مورد استفاده قرار میگیرد .

در صورتی که مدیر های شرکت موظف باشند .
مواجبی که بحرای آنها تعیین میشود غالباً طبق مقررات اساس نامه است در این صورت نمیتوان ببلغ آن افزود و

هر گاه طبق مقررات مواد ۴۵ و ۴۶ قانون تجارت بشرحی که در فوق اشاره شد مجمع عمومی تشکیل و مدیران و مفتشین انتخاب و قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل میگردد .

مدیر های شرکت و وظایف آنها

اداره کردن و تنظیم امور هر مؤسسه یا اداره یا شرکتی غالباً بدست يك عده اشخاص بصیر و با اطلاع کار آزموده انجام میگردد که آنها را مدیر نامند .

در شرکت های سهامی مثل سایر مؤسسات اشخاص مزبور باید طرف اعتماد و اطمینان کسانی واقع شوند که در شرکت ذی علاقه یا نسبت به مؤسسه مسئولیت هائی دارند . بنا بر این قانون تجارت طبق ماده ۴۸ مقرر داشته که شرکت های سهامی بوسیله يك یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف که از میان شرکاء بسمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل میباشد اداره خواهد شد .

بطوریکه ماده ۴۸ صراحت دارد اداره امور شرکت سهامی حتی ممکن است بوسیله یک نفر مدیر انجام شود و تمدد مدیران الزامی نیست .

ولی البته نظر باینکه اداره کردن شرکت سهامی امر پر مسئولیت و پر زحمتی است کمتر اتفاق می افتد که شرکت سهامی بانتخاب یک نفر مدیر اکتفا نماید و همیشه چند نفر که اغلب عده فردی میباشد مثلاً سه یا پنج نفر برای اداره امور شرکت انتخاب میشوند و عده مزبور هیئت مدیره را تشکیل میدهند .

مدیر های شرکت سهامی که طبق ماده ۴۸ انتخاب میشوند بر دو قسم اند .

موارد حجر، ورشکستگی، عدم حضور غیر مجوز در مجامع هیئت مدیره یا انتقال سهامی که برای احراز صلاحیت مدیران معین شده و غیره انجام میگیرد.

در صورتی که چذک نفر سمت مدیری از طرف مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیران مزبور باید طبق ماده ۴۹ يك نفر از میان خود سمت ریاست انتخاب کنند.

انجام وظایف محوله بمدیران شرکت لازم نیست از طرف مدیران مستقیماً بعمل آید بلکه با استفاده از ماده ۴۹ و در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد مدیران میتوانند انجام وظایف مذکوره را باشخاص خارجی نیز محول نمایند وای اقدام باین عمل رافع مسئولیت مدیران نسبت ب شرکت نمیشد بنابراین مسئولیت اعمال شخص خارج و در مقابل شرکت بهمه مدیران خواهد بود.

صلاحیت مدیر های شرکت

اشخاصی که ب مدیری شرکت سهامی انتخاب میشوند باید يك عده سهامی را که بموجب اساسنامه مقرر شده دارا باشند و هرگاه در موقع انتخاب سهام مزبور را دارا نباشند باید قبل از تصدی بشغل خود آنها را تهیه و اسم خود را در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت برسانند و الادارای صلاحیت نبوده و نمیتوانند انجام وظیفه نمایند.

بطور کلی تا وقتیکه تمام مدیر های شرکت احراز صلاحیت نمایند یعنی سهام مقرر را خود در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت نکنند شرکت نمیتواند شروع به معامله کند.

تذکر این نکته باوجود اینکه در قانون صراحتاً بان اشاره نشده ب مورد نیست که مدیران شرکت باید سهام مذکوره در ماده ۵۲ را اصالتاً دارا باشند و اگر سهام با اسم آنها در دفتر شرکت ثبت رسیده باشد ولی در حقیقت متعلق بکس دیگری باشد کافی نخواهد بود چه منظور از دارا بودن سهام مذکور بطوری که ماده فوق صراحت دارد تضمین خساراتی است که ممکن است از

باز آن کسر کرد.

هرگاه مقرری مزبور در اساسنامه قید شده باشد پرداخت آن جزو دیون شرکت محسوب و در صورتی که منافعی عاید شرکت نشود دیون مزبور باید از سرمایه تأدیه گردد و ضمناً اگر قرار داد پرداخت موجب مدیر باین عبارت باشد که «حقوق سالانته مثلاً ده هزار تومان مدیر مزبور باید تمام سال را خدمت کند تا مستحق موجب خود باشد ولی اگر ذکر شده باشد «از قرار سالی» مثلاً ده هزار تومان در این صورت مدیر مزبور مستحق اخذ آن مقدار از حقوق خود میباشد که در عرض سال انجام وظیفه نموده است.

از نقطه نظر سیاست و حفظ منافع شرکت مدیران باید همیشه از میان شرکاء انتخاب شوند که شخصاً در امور شرکت نیز ذی علاقه و سهیم باشند.

مدت انتخاب مدیران چنانچه مقدمتاً ذکر شده محدود است در صورتی که مخالف با مقررات اساسنامه نباشد میتوان آن ها را پس از انقضاء مدت خدمت مجدداً انتخاب نمود.

مدتی که مدیران برای انجام وظیفه انتخاب میشوند قطعی نیست و در صورت تخلف یا کوتاهی در انجام وظیفه و عدم لیاقت یا اقدام بعملی منافعی با مصالح شرکت بدون مجوز قانونی میتوان آنان را از شغل خود منفسل و معزول نمود.

اختیارات مدیران

بطور کلی اساسنامه شرکت اختیارات مدیران شرکت را برای انجام امور مربوطه ب شرکت تعیین مینماید و مدیران نمیتوانند از حدود اختیارات خود تجاوز کنند و اغلب اساسنامه شرکت تمام اختیاراتی را که خود شرکت دارا است ب مدیران شرکت واگذار مینماید.

اختیارات مدیران شرکت قاعداً باید با حکم یا اخذ تصمیم انحلال شرکت خاتمه پیدا کند ولی خاتمه پیدا کردن اختیارات هر مدیری در نتیجه عزل یا معزول شدن آن مدیر در مواردی که قانون پیش بینی کرده مثلاً در

شرکت در مقابل شرکاء مسئولیتی است که وکبا در مقابل او کل دارد .

چون حدود مسئولیت و کلاء در قانون مدنی کاملاً تصریح و توضیح شده است ذکر آن در اینجا بابت «طول کلام» است و مراجعه شود بقانون مدنی فصل سیزدهم .

علاوه بر مراتب فوق ماده ۶۱ نیز تصریح دارد به اینکه مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تفصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب میشوند موافق قواعد عمومی مسئول میباشند مخصوصاً در مواقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند .

مفتشین شرکت و وظایف آنها

بطوریکه ماده ۶۲ قانون تجارت مقرر داشته است مفتشین شرکت از طرف مجمع عمومی سالیانه انتخاب و تعیین میشوند و در صورتیکه مجمع عمومی آنها را تعیین ننموده باشد یا آنکه در صورت تعیین از انجام وظیفه امتنع باشند یا عدم ایاق آنها مسلم شود محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت بتقاضای هر ذیحقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا بجای آنها مفتشین جدیدی تعیین میکنند .

مفتشین ممکن است يك یا چند نفر باشند و گویانکه انتخاب مفتشین از بین شرکاء بر فاً پسندیده نبوده و مدور و مرسوم نیست و مذلک منع قانونی ندارد و حتی از عبارت قانون چنین بنظر میرسد که انتخاب از بین شرکاء مرجح است و با وجود سکوت قانون قطعاً مفتشین نباید از بین مدیران شرکت انتخاب شوند .

اختیارات مفتشین

مفتشین شرکت حق دارند بکایه دفاتر شرکت مراجعه نموده و از مدیران توضیحات لازمه مربوط بامور شرکت را استطلاع نمایند و بطوریکه ماده ۶۳ مقرر داشته است مراجعه مزبور در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که بموجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی تعیین شده است بعمل میآید .

عملیات اداری مدیرها مشترکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود و بهمین دلیل است که سهام مزبور با اسم و غیر قابل انتقال میباشد و طبق ماده ۵۲ غیر قابل انتقال بودن آنها باید بوسیله مهریکه بروی آنها زده میشود معلوم شود .

گرچه مدیران مالك معانی سهام مزبور بوده و از منافع آنها مستفیض و مستفید میشوند مع ذلک باید آنرا در صندوق شرکت برای احراز صلاحیت و دبیعه بگذارند .

وظایف مدیرهای شرکت

بطوریکه مواد ۵۰ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۸ قانون تجارت مقرر میدارد مدیران شرکت باید وظایف ذیل را انجام دهند .

۱ - اعلام کتبی بدایره ثبت - نام مرکز اصلی شرکت دائر بتمهد و تأدیبه وجه سرمایه از طرف شرکاء .

۲ - تسلیم نوشته حاکی از اسامی شرکاء و مقدراری از سرمایه که پرداخته شده با يك نسخه از اساس نامه و یکی از نسختهین شرکت نامه بدایره ثبت اسناد ضمن اعلام کتبی فوق .

۳ - تقدیم صورت دارائی و قروض شرکت در آخر هر ۶ ماه بمفتشین .

۴ - تهیه دفتر دارائی شرکت و تسلیم آن بمفتشین ۴۰ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی سالیانه شرکت .

۵ - دعوت دارندگان سهام برای انعقاد مجمع عمومی در صورتیکه نصف سرمایه شرکت در نتیجه ضرر از بین رفته باشد .

۶ - دعوت مجمع عمومی فوق العاده بتقاضای کتبی يك یا چند نفر از دارندگان سهام که مجموع سهام آنها لا اقل معادل يك خمس سرمایه شرکت و منظور خود را در تقاضا نامه تصریح نموده باشد .

۷ - تقدیم صورت سالیانه از کایه معاملات که با شرکت شده و مدیران با اجازه مجمع عمومی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن معاملات سهیم بوده اند .

حدود مسئولیت مدیرهای شرکت

بطوری که ماده ۵۱ مقرر میدارد مسئولیت مدیر

طبق ماده ۶۳ مفتشین اختیار دارند در موافقی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی را دعوت نمایند.

وظایف مفتشین شرکت

مفتشین شرکت باید گذارشی از کلیه اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان و صورت حسابهایی که مدیرها تقدیم میکنند بمجمع عمومی سالیانه تقدیم دارند گرچه مدیران شرکت طبق قانون تجارت مسئول صحت بیلان و صورت حسابهای شرکت میباشند معذک مفتشین باید آنها را بازرسی و تصدیق نمایند.

شرکاء حق دارند گذارشی مذکور را رسیدگی نموده و یک نسخه از آن دریافت دارند.

مفتشین در موقع تهیه گذارش خود باید مخصوصاً متوجه باشند که مطالب مهمه مربوطه بامور شرکت بطور یقین مورد بازرسی قرار گرفته و دفاتر شرکت معرف اوضاع حقیقی اقتصادی شرکت باشد.

مفتشین شرکت جنبه مشاوره ندارند و دزد بگیر هم نیستند ولی هر گاه نسبت بامری کوچکترین سوء ظنی حاصل کنند نباید فقط بصحت جمع و تفریق ارقام مندرجه در صورت حساب و بیلان اکتفا نمایند بلکه باید بجدا کمال کنجکاری نموده تا اینکه اوضاع حقیقی اقتصادی شرکت کاملاً روشن گردد ضمناً مفتشین باید مراقبت نمایند که زجوه نقدینه و نائتی شرکت در تصرف شرکت بوده یا بیکی از بانگهای معبر برسم امانت بودیه گذاشته شده باشد.

حق الزحمه مفتشین شرکت را مجمع عمومی تعیین و تصویب مینماید.

حدود مسئولیت مفتشین

طبق ماده ۶۴ حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آنها همانست که راجع بحدود مسئولیت و کلا و اثرات آن در مقابل موکین قانوناً معین است.

مجمع عمومی

مجمع عمومی بر سه قسم است:

۱ - مجمع عمومی قانونی .

۲ - معمولی یا سالیانه .

۳ - مجمع عمومی فوق العاده .

مجمع عمومی قانونی - مجمع مزبور عبارت از مجمع عمومی است که انعقاد آن بامر صریح قانون است و طبق ماده ۴۰ مؤسسين باید پس از تهیه نوشته که حاکی از تعهدات پرداخت سرمایه شرکت و تأدیبه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند .

چون قانون ضرب الاجلی برای دعوت اولین مجمع عمومی معین ننموده است چنین بنظر میرسد که پس از تنظیم نوشته فوق الذکر حلول اجل برای دعوت و انعقاد مجمع عمومی فوری باشد و اگر مؤسسين مسامحه در تهیه نوشته مذکور و دعوت مجمع عمومی بعمل آورند ظاهراً مسئول خسارات ناشیه از این عمل در مقابل دارندگان سهام و کلیه اشخاصی که متضرر شده اند خواهند بود .

وسيله دعوت بهجامع شرکت بطوریکه از مفاد قانون استفاده میشود انتشار اعلان در جراید است بنابراین کسانی که حق حضور در مجمع عمومی دارند نمیتوانند تقاضا کنند که اختطاریه جداگانه برای آنها ارسال شود زیرا قانون چنین حقی را برای آنها منظور نداشته است .

مجمع عمومی معمولی یا سالیانه - طبق ماده

۶۵ لاقول سالی یکدفعه در موقعیکه بموجب اساسنامه معین است مجمع عمومی منعقد میشود .

مجمع عمومی مزبور چون همه ساله مرتباً در تاریخ معینی تشکیل میگردد که بامور سالیانه شرکت رسیدگی و تصمیمات لازمه اتخاذ کنند موسوم است بمجمع عمومی معمولی یا سالیانه .

مجمع عمومی فوق العاده - هر گاه قبل از

فرا رسیدن موعد انعقاد مجمع عمومی سالیانه موجباتی فراهم شود مجمع عمومی فوق العاده دعوت و تشکیل می گردد .

مثلاً بمجامع عمومی که تحت اختیارات مفتشین در مواقع ضروری دعوت و تشکیل می گردد یا بمجامع عمومی مخصوصی که طبق ماده ۸۶ برای رفع موجبات بطلان منعقد میشود .